

## يك سفر نامه سو دمند

بم آقاي نصرالمنفي

۲

« کرئلیوس دو بروین » از طریق اردبیل و زنجان و سلطانیه و قزوین و قم و کاشان باصفهان رفته و در کتاب نفیس او تصاویر متعددی از ابنیه و آثار و پلها و مناظر گوناگون شهرهای مذکور دیده میشود که جملگی بدست خود او کشیده شده است.

ورود او باصفهان در روز چهاردهم رجب ۱۱۱۵ هجری (۱۳ نوامبر ۱۷۰۳ م.) و چنانکه خود مینویسد در کاروانسرای معروف به « جده » واقع در میدان نقش جهان که متعلق بمادرشاه سلطان حسین بوده است و آرامنه اصفهان در آنجا نمازها و دگانهای متعدد داشته اند منزل کرده است.

« کرئلیوس دو بروین » در ضمن تعریف خاندان صفویه و طرز حکومت و سیاست ایشان شرحی نیز درباره مشاغل مهم دولتی و مناصب دیوانی نگاشته که از لحاظ تاریخی برای آشنا شدن بتشکیلات دولتی آلمان و اوضاع درباری پادشاهان صفوی بسیار مفید و قابل نقل است. می نویسد:

« ... صدر اعظمی این امپراطوری بزرگ با اعتماد الدوله است که او را وزیر اعظم نیز میگویند و در حقیقت مسئولیت تمام امور دولتی بعهده اوست. این وزیر گذشته از آنکه کار بسیار و مسئولیت فوق العاده دارد پیوسته نیز باید مراقب اعمال خویش و رفتار دیگران باشد تا او را در پیش شاه بچیزی متهم نکنند و خاطر خداوندش را از او آزرده نسازند. پس دائماً میکوشد که نام را از خود خرسند سازد و از هر چیزی که مایه تأثر خاطر سلطانت اجتناب کند و اگر هم در کار ملک ضعف و فتوری هست آنرا از نظر شاه بیوشاند. همیشه سعی دارد که اخبار بیرون نامطوع بگوش شاه نرسد و کوچکترین بدشرفتی را در دیده وی بزرگ جلوه گر سازد و برای انجام این مقاصد کسان و بستگان خود را بر سر کار آورده و مقامات عالی دولتی را بشوئبکان خود سپرده است ... از

امرای مملکت و امنای دولت کبابی را که دلخواه و پند نکه میدارد و هر چند یکبار از جانب شاه خلعت میفرستد. حکام و مأمورین ولایات نیز برای پیشرفت کار خود در تحصیل خلعتهای شاهانه میکوشند و چون بی واسطه صدراعظم بلین افتخار نمیتوان رسید جانب او را نکه میدارند.

د بنا برین اعتماد الدوله را در صدارت خویش جز بر کشیدن کمر و همی وساقط کردن گروه دیگر کاری نیست، و اعمال وی اثری از مهر و کینه اوست. باینهمه هرگز آسوده خاطر نمیتواند زیست و ببر کشیدگان خود اعتماد نمیتواند داشته چه غالباً همین دسته چون بنیان قدرت او را اندکی ست یافتند در ویران کارش همدستان میشوند....

د پس از صدراعظم اول شخص مملکت قورچی باشی یا رئیس قورچیان است. افراد قورچیان که سواران کار آزموده شجاعی هستند از قبایل ترکمان و تاتار گرفته میشوند و در تیر اندازی مهارت بسیار دارند.

د پس از قورچی باشی محترمین رجال دربار قولر آقاسی یا رئیس غلامان گرجی و سایر غلامان سفید است که مانند قورچیان بشیر و گمان مسلحند و ترتیب این دسته سپاه از شاه عباس کبیر است.

د پس او قنچی آقاسی یا رئیس تفنگداران شاه است که افراد آن در قری و قصبات از میان اشخاص کاری و زورمند انتخاب میشوند و تشکیل ایندسته سپاه نیز از کارهای شاه عباس بزرگ است.

د سرداران سه کانه فوق پیش ازین در فرمان سپهسالاری بودند که مقامی ثابت و یا بر جای داشت، ولی امروز مقام سپهسالاری منسوخ شده و هنگام جنگ دسته های سابق الذکر در تحت فرمان سرداری که مقامش موقتی و مابعد از است قرار میگیرد.

د پس از اشخاص فوق توبت به باظر مهر سید که فی الحقیقه رئیس تفریفات سلطنتی است و دو نفر بعنوان میر شکار باشی و میر آخور باشی در زیر فرمان و پند.

علاوه برین اشخاص دیگری نیز از جمله رجال معروف دولت محسوب میشوند؛ ازینقرار :

۱ - دیوان ییگی که رئیس دیوان داورست و بشمام دعاوی حقوقی و جزائی بجز اختلافات و نزاعهای کوچک که رسیدگی بانها از جمله وظایف داروغه است رسیدگی میکند.

۲ - مستوفی الممالک یا رئیس مالیه و محاسبات کل کشوری که ثبت اسامی و احوال دسته های سپاه و افسران و حکام جزئی که در ولایات مملکت مطیع فرمان ییگری ها و خان ها و سلطان ها هستند بمعهده اوست....

۳ - مستوفی یارئیس محاسبات و مالیه که مأمور رسیدگی بحساب املاک شخصی شاه و عوائدیست که درمخارج دربار سلطنتی بکار میرود.

۴ - وقایع نویسی که وقایع روزانه کشوری و ممالک مجاور را جمع آوری و تدوین میکند.

۵ - منجم باشی و منجمین<sup>۱</sup> که در نزد شاه قرب و منزلت فراوان دارند و پیش ازین شاه در غالب امور بی صوابدید ایشان اقدامی نمی کرد ولی امروز از نفوذ و تسلط ایندسته تا حدی کاسته شده است.

رجالی که نام بردیم می توانند در هر موقعی بحضور شاه رسند از میان رجالی که ازین اقتضای محرومند مهمتر از همه ایشیک آقاسی یارئیس دربانان شاهي است که در حقیقت بمنزله وزیر دربار است.

ایشیک آقاسی همیشه چماقی از طلا مرصع بالماس در دست دارد و در حضور پادشاه چشم از وی بر نمیگیرد تا اراده او را زودتر دریابد و در انجام آن شتاب کند. او امرشاه را اگر مربوط بدریاری و حوالی آن باشد او خود انجام میدهد و اگر نه بوسیله یساولان بسیاری که در فرمان خویش دارد

۱ - کرنلیوس دوبروین منجم را با طبیب اشتباه کرده و در کتاب خود می نویسد :  
و منجمین با اطباء شاه . . . . .



اجرا می کند. هدایت  
سفرای خارجی بحضور  
شاه و معرفی ایشان نیز از  
وظائف اوست و رسم چنین  
است که ایشیک آقاسی  
زیر بغل سفیر را میگیرد  
و او را بدینصورت تا اطاق  
انتظار شاه راهنمایی  
میکند.

### بیگار بیگی بحکام

ایالات گفته میشود که  
هریک چندین خان و  
سلطان زیر فرمان خود  
دارند و بیگلربیگی ها

تصویر ایشیک آقاسی  
دروازان شاه سلطان حسین (کارگر نلیوس دو بروین)

قسمت اعظم عایدات قلمرو

خویش را صرف مخارج حکومتی خود میکنند و جز مبلغ مختصری بعنوان  
هدیه و پیشکش برای شاه نمیفرستند؛ ولی در عوض مکلفند که عده ای سپاه  
مجهز داشته باشند. اینگونه حکام در حقیقت در مفر حکومت خویش سلطنت  
میکند ولی مطیع فرمان پادشاهند. امروز در ایران پانزده یا شانزده بیگلربیگی  
میتوان شمرد و اهمیت مقام ایشان بخندیشگاه در مراتب درباری پس از  
تفنگچی باشی و ناظر قرار می گیرند.

مقام خانی و سلطانی هم فرق بسیاری با بیگلربیگی ندارد و صاحبان  
این دو عنوان نیز حکام ایالاتند؛ ولی مقام خان از لحاظ مراتب درباری پیش از  
سلطنت است. خان و سلطان نیز از عوائد قلمرو و حکومت خویش استفاده می کنند  
و اگر در تحت فرمان بیگلربیگیها نباشند بایستی مانند ایشان دسته سپاه مجهزی

چاپته باشند و همه ساله هدایایی برای شاه بفرستند.

گفته از ایالات و  
ولایات قلاع و شهرها  
نیز حکام مخصوصی  
نهادند و همه دارند که  
در شهرهای بزرگ  
مانند اصفهان حفظ  
انتظامات شهری و  
رسیدگی با امور  
حقوقی و جزائی  
بمسئله ایشانست.



داروغه در موقع  
انجام وظیفه بمقام  
و مرتبه اشخاص  
اهمیتی نمیدهد و

تصویر عمارت و باغ دارالتجارت هفتاد در اصفهان  
کارگزاران اوس اوزورین هندی

بی استثناء هر کسی را که مرتکب جرمی شده باشد مجازات می کنند.

کلاتر فی الحقیقه رئیس و نماینده طبقات عامه است و در قری و قصبات  
بکارهای قضائی نیز رسیدگی می کند ولی دائره اختیارات وی در شهرهای  
بزرگ و مخصوصاً در اصفهان از حدود طبقات عامه تجاوز نمیتواند کرد و  
مدافع این طبقه در امور قضائی کلاتر اند. میزان خالیایهای شخصی را نیز  
کلاتران با ملاحظه استطاعت اشخاص معین میکنند و مأمور وصول آن نیز  
خود ایشانند. هر کلاتری در زیر دست خود کلاترانی دارد که مانند او مأمور  
قری و قصبات و قسمتهای کوچکتر رسیدگی می کنند.

شاهیندر مأمور وصول عوارض و حقوقی است که از مالک التجار و هادر بنا در  
مملکت گرفته میشود این مأمور باید عوارض حوزه مأموریت خود را تحویل

مسئولی محل دهد و ازرا حق اینکه در عوائد دخل و تصرفی نماید نیست زیرا عوائد گمرکی منحصرأ بمخارج درباری تخصیص داده شده است و بهمین سبب شاهیندرها حقوق ثابت معین نمیگیرند.

شغل شاهیندزی سابقاً یکساله باشخاص داده میشد ولی درین ایام غالباً مأمورین هفت سال و هشت سال در شغل خود میمانند. عوائد سالانه گمرکی ایران امروز (یعنی در زمان شاه سلطان حسین) قریب ۲۴ هزار تومانست و گاه نیز به ۲۸ هزار تومان میرسد.

دیگر از رجال معروف **ملك التجار** است که باختلافات تجار رسیدگی می کند و بفرمان ناظر مراقب کار نسا جان و خیاطان سلطنتی و مأمور تهیه پارچه ها و جامه ها و اشیاء دیگری از ینگونه برای پادشاه است. علاوه برین در کار مأمورین و تجاری هم که فروش ابریشم و سایر اتمه مخصوص شاه مذاخله دارند و مخصوصاً اجناسی که تجارت آنها مانند ابریشم منحصر بشخص شاهست و بمالك بیگانه حمل میشود تفتیش میکند.

پس از راهداران از مأمورین دولتی دیگر مهمترند و شغل ایشان مراقبت در خوبی راهها و حفظ امنیت طرقست و هرگاه از اموال تجار چیزی در قلمرو هر یک از ایشان دزدیده شود و نتوانند دزد را دستگیر کنند باید غرامت آنرا بصاحبش بپردازند. ولی اگر دزد را بیابند و مالرا بازگیرند ثلث آنرا خود تصرف میکنند و بقیه را بصاحبش می سپارند. برای حفظ امنیت راههای تجارتی ناگزیر هر یک دسته ای مأمورین مسلح نگاه میدارند تا هنگام شب و مواقع خطر ناک راهها را از جمله دزدان محفوظ دارند و یا دزدان را تعقیب و دستگیر سازند. حقوق راهداران و اتباع ایشان از وجوهی تأمین میشود که بعنوان **راهداری** از مسافرین و تجار میگیرند.

در ایران حکام کوچک دیگری نیز هستند که قلاع مهم مملکت مانند قلعه هرمز و قلعه قندهار و امثال آنرا حفظ میکنند و اباشانرا **کوئوال** میخوانند. دائره اقتدارات **کوئوالان** محدود است و مطیع فرمان حکام ایالاتند. دیگر از مأمورین دولتی ایران محاسب است که تعیین قیمت ازرای و

رسیدگی بحسن معاملات بازار و همچنین تمین و تقشیر اوزان و مقادیر و تنبیه متخلفین بعهدۀ اوست. محاسب هر روز قیمت ارزاق و امتعه بازار را تعیین میکند و نسخه ای از آن را بدربار شاهی میفرستد تا حساب جاری آنروز را مطابق قیمت‌هایی که او معین کرده است محسوب دارند.

«مأمور دولتی دیگری که کارش خالی از اهمیت نیست میهمان‌دارباشی است. این شخص مأمور است که هنگام ورود سفرا و فرستادگانی از ممالک بیگانه ایشان را تا خارج شهر استقبال کند و وسایل پذیرائی و آسایش آنان را از هر جهت فراهم سازد. دربار ایران میان سفرای مسیحی و مسلمان هیچگونه امتیازی نمیگذارد و همه را یکسان پذیرائی می‌کند.... رسانیدن پیغام‌های سفرا بشاه و وزراء و راهنمایی ایشان بدربار نیز از جمله وظائف میهماندارباشی است. این شخص چندروزیکبار بدیدار سفرا می‌رود تا هم ظاهراً حفظ احترام ایشان را کرده باشد و هم مقصود سفارت ایشان را در یافته بوزراء اطلاع دهد. گاه نسبت بسفرای عثمانی و هندوستان و ممالک بزرگ مسلمان دربار ایران احترامات بیشتری قائل میشود و گذشته از میهماندارباشی یکی از رجال بزرگ دولت را مخصوصاً مأمور پذیرائی ایشان می‌سازد.»



علاوه بر رجال و مأمورین دولتی سابق الذکر «کرنلیوس دو بروین» اسامی جمعی از دیگران مأمورین جزء دولت و مقامات دینی را نیز با وظائف هر یک مشروحاً نوشته است که ما بر عایت اختصار از نقل آن خودداری میکنیم.

راجع بشخص شاه سلطان حسین می‌نویسد که او را بینائی و آبادانی اشتیاق و میل فراوان است و چنانکه میگویند در مدت ده سال از چهار تا پنج میلیون در اینکار صرف کرده. هر وقت که او می‌خواهد بنائی تازه برپا کند در شهر جار می‌زنند تا هر کس شاه را دوست دارد در ساختن بنای تازه بکمک او برخیزد. پس کارگران از هر سو بی آنکه توقع مزدی داشته باشند بدان محل می‌شتابند و رجال مملکت نیز هر یک کارگرانی بخرج خود بدان مکان میفرستند، حتی ارمنه هم ناگزیر باید در اینکار شرکت جویند. «کرنلیوس دو بروین» می‌نویسد شاه سلطان حسین مقارن ورود او باغی بزرگ ساخته بود که سیصد تومان از مخارج آنرا ارمنه برداشته بودند.